

ننوان مراسلات  
(مشهد مقدس)  
صاحب امتیاز و نگارنده محمد  
صادق تبریزی پس از قبول چهار  
نمره اسامی مشترکین  
در دفتر ثبت و وجه اشتراک  
سالیانه در ماه دویم دریافت میشود  
بتاریخ ۶ شهر ربیع الثانی  
۱۳۲۵

# خبرنامه

## ( سال اول )

در ظل حمایت اعلی حضرت شمس الشموس  
ارواحنا فداه هر هفته یکمرتبه  
توزیع میشود

وجه اشتراك سالیانه  
در مشهد - ۲ تومان  
سایر بلاد ایران - ۴۴ قران  
ترکستان و قفقاز - ۶ عنات  
سایر بلاد خارج - ۱۴ فرانك  
قیمت اعلان سطرده شاهی  
قیمت یکنسخه در مشهد  
سیصد دینار

این روزنامه در آنچه را جمع بترقی و تربیت ملت و منافع د و لت باشد بحث میکند  
- (و هرگونه لایحه که منافی بادین و دولت نباشد قبول و درج خواهد شد) -

## ( فهرست مندرجات )

- ( اعتذار ) \* \* \* \* \* ( قرائتخانه سعادت )
- ( تنبیه للغافلین ) \* ( تلکراف طهران بعتبات )
- ( جواب از عتبات عالیات ) \* \* \* \* \* ( استرآباد )
- ( بقیه وقایع درجز ) \* \* \* \* \* ( وقایع برجند )
- \* \* \* \* \* ( خورشید ) \* \* \* \* \*
- ( مرقومه جناب رئیس التجار ) \* \* \* \* \* ( اعلانات )
- ( رساله علم اقتصاد سیاسی ) \* \* \* \* \*

## اعتذار

چنانچه در سرلوحه روزنامه معین شده روزنامه  
(خورشید) هفته یکمرتبه در روزهای چهارشنبه توزیع  
میشود ولی چند نمره که در مطبعه سنگی بطبع  
میرسید بجهت نواقص کار از عهده بر نمی آمد لهذا محض  
خواهش بعضی از بزرگان و اصلاح نواقص آن بمطبعه سربی رجوع  
کردیم که بموقع نشر شود باز بدبختانه این مطبعه نیز حروف  
بقدر کفایت ندارد که نتواند در روز معین برساند هر چند جناب  
آقامیر مرتضی مدیر مطبعه در تکمیل نواقص او اهتمامی  
دارد و حروف بقدر کفایت خواسته اند و هنوز  
نرسیده این است که تا دوسه هفته نیز قدری معطلی دارد

باز بهر قسم باشد هفته یکمرتبه طبع و توزیع میشود .  
گاهی یکی دوروز از موقع آن میگذرد از این تاخیر  
و تعویق اضطراری موقتی معذرت میخواستیم امیدواریم  
همین چندروزه حروف مطبعه برسد انوقت بمساعدت  
و توجه بزرگان شاید بتوانیم هفته دومرتبه بطبع برسانیم  
که مطالب کامل درج شود و نیز از بعضی از دانشمندان  
و بزرگان که لایحه و آرتیکل برای درج در روزنامه  
میفرستند و غالباً در موقع درج نمیشود معذرت میخواستیم  
که جهت همین عدم وسعت اوراق روزنامه است  
و عنقریب رفع این نقص پس از وصول حروف شده  
تمام مطالب وارده را درج خواهیم کرد .

( ومن الله التوفيق وعليه التكلان )

## ( قرائتخانه سعادت )

یکی از نتایج اقدامات حسنه اعضاء محترم  
انجمن خیریه سعادت دائر شدن قرائتخانه سعادت است  
هر چند این بنای خیر را که مایه ازدیاد علم و بصیرت  
عامه ملت است قبل از تشکیل انجمن مزبور این بنده  
بدستیاری و همراهی چند نفر از اهل خیر و صلاح  
اقدام کرده در صد افتتاح آن بودیم و بصوابدید  
بزرگان محترم چنین قرار شد که یک هزار بلیت  
اعانه از قرار یکی پنجهزار دینار بطبع رسانیده  
هر کس از اهل خیر و فلاح که اینگونه تاسیسات

سعادت منتخب شدند که هفته یکروز در مدرسه مزبور جمع آمده در اصلاح و پیشرفت کلیه مدارس و نشر معارف در خراسان عموماً و مدرسه رحیمیه و قرائتخانه سعادت خصوصاً بحث و کنکاش و سعی و تلاش فرمایند اسامی ایشان از قرار ذیل است .

(نواب والا محمد حسین میرزا سرتیب مهندس )  
جناب متین السلطنه (جناب میرزا اسمعیل خان مترجم اداره گمرک ) جناب حاجی اقبال التولیه ( جناب حاجی محمد اسمعیل آقا تاجر کاشانی ) ( بنده نگارنده محمد صادق تبریزی )

حالا قرائتخانه از تاریخ غر، شهر ربیع الثانی دایر و مفتوح است و هرروز از یکساعت از روز گذشته الی دوساعت از شب رفته برای طالبین علم و اطلاع باز است عجالتاً از هرگونه جراند فارسی و غیره موجود و عنقریب از هر قسم روزنامه و کتاب تهیه خواهد شد حق القرائه عموماً معاف و مجانی است ابداً کسی حق مطالبه دیناری از کسی باین عنوان ندارد،

محل قرائتخانه بالا خیابان جنب منزل جناب قوام التولیه مغازه متصل بمدرسه رحیمیه ملکی جناب حاجی عبد الرحیم آقاصراف که این مکان را نیز مثل عمارت مدرسه مجاناً بدون کرایه در صورتیکه ماهی پانزده تومان کرایه میدادند برای قرائتخانه مرحمت فرموده از این اظهار فتوت و جوا المردی این یگانه شخص وطن پرست از قبل کلیه معارف پرستان تشکر و امتنان کرده از دیاد امثال او را در میان متمولین مملکت از خدای مسئلت میکنیم نظامنامه قرائتخانه با اسامی اعانه کنندگان در شماره های آتی درج میشود لهذا

خیریه را موجب ترقی و نیل سعادت دارین ملت میدانند بقدر همت و اقدام خود از این بلیتها خریدند و وجه او را با اطلاع مؤسسين بمخارج اساسیه و کرایه محل و مواجب اجزاء آنجا برسانند که لامحاله در این مملکت عجالتاً یکباب قرائتخانه که اقلاً جراند اسلامی و بعضی از کتب مفیده در آنجا باشد تا اشخاص صیغه قدرت اشتراک همه جراند را ندارند یا از بیکاری در قهوه خانها بیجیمه تضييع عمر مینمایند در آنجا بمطالعه اخبار و کتب تحصیل علم و بصیرتی کرده متدرجاً تهذیب اخلاق نمایند بهمین ملاحظه در دو ماه قبل بلیتها بطبع رسیده و معدودی از اعیان و تجار چندبلیت خریداری کردند که عجالتاً باندازه تاسیس قرائتخانه جمع شده باقی بلیتها موجود است و هرکس بملاحظات فوق این عمل مبرور را از جمله خیرات عامه محسوب میدارد و میل اشتراک در اجر و ثواب این عمل داشته باشد بخود قرائتخانه یا اداره (خورشید) یا مدرسه معرفت و در سرای ناصریه بجناب حاجی محمد اسمعیل آقا تاجر کاشانی یا در اداره گمرک بجناب آقای متین السلطنه رجوع فرماید ، باری پس از آنکه انجمن خیریه سعادت برای نشر معارف و تاسیس مدارس و سایر امور خیریه تشکیل یافت و این بنده بيمقدار نیز بحسب صوابدید اعضاء مفخم آن محفل مغلی بعضویت مفتخر آمد ،

رسیدگی کلیه امور قرائتخانه مزبور نیز در تحت نظارت و توجه انجمن عالی داخل است ، و شش نفر از اعضاء محترم این انجمن بکثرت آراء برای مراقبت و مواظبت در امور مدرسه مبارکه رحیمیه و قرائتخانه

تمدنی ضروری شمرده شوند (دویم) تمام آن اشیا نیکه مطلوب تصور می شوند هر چند برای صلاحیت انسان ضروری نیستند (سیم) آن اشیا نیکه از آن لذت عارضی حاصل می شود هر چند بر صلاحیت انسان اثر نمی بخشد (چهارم) آن اشیا نیکه بواسطه یا بلا واسطه بجهت تکمیل و ترقی زندگانی انسان ممداند میل کتب و اسباب فن مصوری و نقاشی و غیره قدر قسم اول بطور وافی معلوم است زیرا که انسان بالطبع در امور خویش یک اندازه آسایش نیز میخواهد قسم دویم و سیم هیچ و قعی ندارند خصوصاً و قیکه تعطیل آن اشیا با حیت و مطلوبیت

صورت جمع و خرج قرائتخانه برای اطلاع عامه در هر ششماه یک فعه طبع و نشر میشود هر کس از هر کدام از روزنامهها که در قرائتخانه موجود است مشتری باشد اسم و محل خودش را با عنوان و القاب نوشت بمدیر قرائتخانه آقامیرزا اسدالله بدهد مشارالیه بداره اطلاع میدهد و هر هفته مرتباً بتوسط موزعین جرائد فرستاده خواهد شد

### تنبیه للغافلین

در این عهد و زمان که دوران را بنیانی دیگر و جهان را مقتضائی غیر از پیشتر است هر پوشیده پیدا و هر پنهانی بیجهت هویدا میشود گویا گذشته باشد اینکه مدعیان بمحض دعوا بمقامی نائل کردند که مستحق آن نباشند و بی مایه کان منفعتی را دارا شوند که تجارتش نکرده باشند عالم را بی عمل عالمش نخوانند و امیر را بدون انجام خدمتی مستحق لقب ندانند گویا همه مردم دانسته اند که علم بالفاظ و کلمات و دانستن اصول و اصطلاحات بدون عمل بروفق آیات بینات آدمی را بمقامی نرساند و ترکیب و اندازه درست کسی را برمسند شریعت نمی نشانند از عوام و امین شنیده می شود که از شرایط عالم مطاع این است که بوده باشد (صائناً ینه تارکاً لهوا مطیعاً لامر مولاه) و در عالم بی عمل میخوانند (قوله صلوات الله علیه) (اولئك اضر علی الاسلام من جیش یزید ابن معاویه علی حسین ابن علی علیه السلام) پس در این صورت تکلیف مردم در این روز چنین باید باشد که جاهلان عامی امی در مقام تعلیم و تعلم برآیند و عالمان دانشمند بقدر القوه بمعلوم خود عمل نمایند

جائیکه امیر المؤمنین و امام امتقین علیه السلام را در خلافت ابو بکر ساکت بینند سلمان وار در مقام تاسی ساکت نشینند مثلاً در جائیکه علمای بزرگ اسلام و آیات الله بین الانام در مقام حفظ حوزه اسلام در سر مجلس شورایی مآی شیدالله بنیانه و ارکانه مرقوم دارند که موافقت آن واجب و مخالفتش غیر جائز است. هر یک از اهل علم میدانند که مقصود از این بیان جمع کلمه اسلامیان و برداشتن اختلاف از میان است. و حفظ بیضه در این صورت تا حد مثل مسطور بر کافه مسلمانان واجب و لازم است که در شق عصای اسلام نکوشند بلکه در تحصیل و حفظ اتحاد بجان و مال اهتمام نمایند و اگر کسی احياناً بعنوانی از عنا و بین ساز خود سری سازد و علم مخالفت برافرازد اکر چه بکلمه تامه مبارکه (لا حکم الا لله) سخن گوید و بصورت امر بمعرف و نهی از منکر طریق مخالفت پوید از اهل نهر و ان و دشمن مسلمانان است معلوم است آنکه گوید حفظ حوزه اسلام واجب است نمی تواند بگوید که مراد از بیضه اسلام تابعین فلان مذهب یا مقلدین فلان مجتهد است بلکه یقیناً مقصود از آن هیئت مجتمعه اهل اسلام است با فرد مذاهب مختلفه مسلمانان از شیعه و سنی و اشعری و معتزلی و غیر ذلک.

پس وقتی که تحصیل اتحاد بجهت حفظ بیضه اسلام واجب شد القاء نفاق و افتراق هم بمناقشات مذهبی و ملاحظات شانیه و شخصیه حرام مبین است مثلاً نباید مثل حاجی خماسی بمناسبت خیالات شخصیه با حکومت

خویش متناقض باشند که رتبه اش اعلی است چونکه اصل است بلی در قسم چهارم غور و خوض نمودن وهم است من جمله قسم مذکور مثلاً کتب و غیره بجهت ترقی انسانی باندازه ضروری هستند که بعضی مردم برای کسب آن ضروریات اصلی زندگانی را وداغ میکوبند اما اشیاء مذکوره را از اشیاء قسم سیم تمیز دادن فی الجملة اشکالی دارد بعضی اشیاء که از ان بالعرض لذت حاصل میشود بجهت رفع افسردهگی و پژمردهگی انسان بیک اندازه لازمند اما بالعکس آن این مطلب هم صدق است که اسباب زوال و خرابی بعض طبقات سابقه

یاغیر ذلک اگر چه حق باشد بعد از عمری تعیین  
و تشخیص در عنوان علم و تقدس چنان در راه مخالفت  
و استبداد قدم زند که در دوماه موجب فساد و تاساد  
کار مسلمانان و ورود ضرر فراوان بر مال و جان ایشان  
شود و اهالی رشت و قزوین و طهران چنین بددل و  
بدگمان شوند که منجر بفساد اعتقاد و اعتماد جمع  
کثیری از مسلمانان بعموم اهل علم گردد و حتی اینکه  
اعل قزوین هنگام مرور ایشان از آن سرزمین  
باظهار لایحه منتشره ژلاتینی بان ببارات سخیفه تهدید  
کرده و امان ندهند که یک ربع ساعت بیشتر در قزوین  
بماند خدا رحم کرده است که در این اوقات بسبب نشر  
جراند و روز نامه جات مردم بهمه اطلاعات از جمیع  
صفحات بزودی میرسند و همه جا و همه کس شنید که  
تبریز رئیس متشخص خود را که تا چه اندازه از  
تعیین و شئوناتی در او متصور بود از بلد اخراجش نمودند  
و دیگری از ایشان بمحافت وقوع در مهله که  
جان تمام فواید خود را از منال در صورت ظاهر پیشکش  
ملت نمود مع ذلک پس از ظهور خلاف وعده ایشان را  
نیز عذر خواستند باز در گوشه و کنار از خود سران  
و مستبدان مثل این وقایع بروز و ظهور مینماید محضاً  
للتاکید صورت سوال و جواب تلگرافی حضرات  
علماء عظام طهران و اماناء فخام مجلس شورای ملی  
را با حجاج اسلام زیادی عتبات ذیل درج میداریم  
بیهلک من هلك عن بینة و یحی من حی عن بینة\*

### از طهران بعتبات

حضور مبارک آقایان عظام و حجج اسلام آیات الله  
تعالی بین الایام دامت ظلهم العالی عرضه میدارد البته

خاطر مبارک آقایان از وضع مجلس شورای ملی کما ینبغی  
مسبق است که اساس آن به اجراء احکام شرع مبین  
و صیانت مذهب حقّه اثنی عشریه و دفع تعدیات خائنین  
و نشر عدل بین العباد و موجبات قوت رشوکت دولت  
اسلامیه در قبال اعادی دین است مع ذلک از روی  
مذاقات این وضع با مقاصد و اغراض شخصییه خودشان  
در مقام تخریب و در صدد تشویش و تشکیک  
مستدعی که تکلیف عامه مسلمین را در این باب معین  
فرمایند تا رفع تشویشات شود

### جواب از عتبات عالیات

هو العزیز تعالی شانه الحمد لله رب العالمین  
و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین  
واللعنة علی اعدائهم اجمعین الی یوم الدین، بلی چون  
بحمد الله تعالی و حسن تأئیده و بتوجهات مقدسه حضرت  
ولی عصر ارواحنا فداء اساس محترم این مجلس  
مقدس بر امور مذکوره مبتنی است لهذا بر هر مسلمی  
سعی و اهتمام در استتکام و تشیید این اساس لازم  
و اقدام در موجبات اختلال آن محاده و معانده با صاحب  
شریعت مطهره علی الصادع بها و آله الطاهرین افضل  
الصلوة والسلام و خیرت بدولت قوی شوکت است  
اعاذ الله جمیع المسلمین عن ذلک امضاء  
(من الاحقر عبدالله المازندرانی) (الاحقر انجل المرحوم  
الحاجی میرزا خلیل قدس سره) (نعم هذا الجواب  
عن السئوال عن مجلس شورای کان با ملاء معنا حرر  
الاحقر الجانی محمد کاظم الخراسانی)

### استرآباد

بعد العنوان -- در شماره پنجم شرحی از بی میلی حکام

واقوام ماضیه همانا در پی لذات عارضیه بودن و از آثار و خیمه انها غفلت داشتن بوده است که

از آن حیات حقیقی انسانی را فناء و قیام قومی را جلا و تفرقه حاصل میگردد

تهذیب عصر جدید در صورتی قیام و دوام بهم میرساند که بین لذت و مفید امتیاز عملی

و فعلی داده شود و نظر به ترتیب امتیاز داشته باشند نه فقط به ترویج کتب تا آنکه در عرض

اصلی تمدن که بهبودی و صلاحیت زندگانی انسانی است کامیابی حاصل شود تتمت الکلامه

در انعقاد و پیشرفت امور مجلس شورای ملی مندرج بود لازم دانستم بدون هیچ غرض و مرضی اطلاعات خودم را معروض دارم که قدرتش خاص غیور وطن پرست مجهول نماند شاید سایرین نیز از خیال فاسد خود اعراض نمایند مدت هفت ماه میباشد که حضرت والا امیر خان سردار امیر اعظم فرمان فرمای استرآباد و کرکان بمقر ایالت تشریف آورده اند \*

خدای واحد و احد را کوه و تمام اهالی استرآباد را بشهادت میطلبم از روز ورود با ندازه اسباب رفاهیت عامه را فراهم آورده اند که تا حال کسی در این مملکت نظیرش را بیاد ندارد حالیه هم برای وصول مالیات دیوان با اردوی باشکوهی بطرف طوایف جعفرآبای حرکت فرموده اند انشاءالله شرح آنرا پس از تحقیق عرض میکنم ( از هر چه بگذری سخن دوست خوشتر است ) این حکمران جوان پیر عقل نظر بحسن فطرت و پاک طینت خودشان چندین مرتبه برای انعقاد انجمن ملی در استرآباد از آقایان حجج اسلام و تجار ذوی الفکر و الاحترام دعوت فرموده اظهار کردند و در هر مجلس شرحی مبسوط از فوائد و نتایج انجمن بیان فرمودند باوجود این کسی تا کنون اقدامی نکرده ( صیاد بی صید دویدن عجیبی نیست صیداز پی صیاد دویدن مژه دارد ) شهرت دارد که برای تشکیل انجمن تلگرافی مؤکد بحضرت و الارسیده ایشان هم عین تلگرافی را خدمت جناب مستطاب حاجی سید محمد طاهر مجتهد مد ظله العالی که در هر مرتبه و مقام اول شخص استرآباد است فرستاده و تاکید زیاد در انعقاد انجمن فرموده اند حالا به بینیم حضرت

آقا چه اقدامی خواهند فرمود تفصیل را باپست بعد عرص میکنم .

### بقیه وقایع دره جز \*

در این دو سال حکومت رسم دختر فروشی رواج یافت در همین محرم در لطف آباد بوم شنیدم از تمام اهل آن محل که در این دو سال یکصد و شصت و چهار نفر دختر و زن بتر کمان فروخته شده این حرف ها را می شنیدم ولی باور نمی کردم تا آنکه دوازدهم محرم مراجعت کرده در اداره کمرک که یکی از پسرهای خان حکمران هم حضور داشت رئیس تلگرافخانه و جمعی از ریش سفید ها در نزد میرزا ابراهیم خان رئیس کمرک بودیم بنده بمشارالیه کفتم آخر شما مامور دولت هستید و اظهار غیرت و ناموس میکنید چرا ممانعت از این کارها نمیکنید و خبر بامانای دولت نمیدهید؟ در جواب گفت بیچاره رعیتی چه کند در تمام بلاد مالیات حسابی دارد مگر اینجا که اسم اصل مالیات شش هزار تومان است ولی در دو سال گذشته والی خراسان چنان سخت گرفته بود دوازده هزار تومان فرع و دو هزار تومان تقدیمی والی . و یک هزار تومان پیشکش وزارت لابد خود این حکومت و اتباعش نیز همان قدرها مخارج دارند و اندوخته می خواهند رعیت هم قدرت تحمل این بار را ندارد بضرر چوب میگیرند آنوقت ناچار می شوند دخترهای خودشان را میفروشند و جیب مستبدین ظالم را پر میکنند ریش سفیدها قسم خوردند که همه ساله از مابقیست دو اسم پول میگیرند که هیچکدام دخلی بمالیات ندارد ( حاکم پولی ) ( بیک پولی )

( متن ) بر الفاظ این تعریف تأمل بفرمائید ما گفتیم در ماهیت ثروة چیزی است که کسب آن بلا اکراه و عنف و بغیر تاثرات نفسانی بعینل آید مثلاً کدام سلطان مستبد رعایای خویش را بهر جایی که بخواهد بجهت جنگ و قتال کسبیل میتواند بدارد این خدمات در دایره علم اقتصاد داخل نمیشوند چونکه مبنی بر عنف و اجبار است اما این مطلب اگر اداره شود بوضع سلطنتهای متمدنه که از عنف و کساد خارج شود در دایره علم اقتصاد داخل میشود چونکه در آن صورت برضایت خویش عوض مواجب معینه خدمت سرباز را قبول مینمایند هم چنین

اولیای دولت و ابناء ملت محو و منسی گشته ایم حکمران این سامان جناب شوکت الملک که جلالت قدر شان بهمین حادثه که در این چند روز واقع شد معلوم می شود و شرح آن قضیه این است که بسمع اهالی رسید که حکومت قاین را بحشمه الملک دادند بمحض انتشار این خبر بسبب انزجار قلوب اهالی از سوء اطوار سابقه ایشان که همواره در نظر دارند یکباره تمام اهالی از علماء و سادات و اعیان و نجار و کسبه و غیره در نقاطی که در خاک قائنات تلگراف خانه است اجتماع کرده هشت شبانه روز تمام دکا کین بسته تعطیل عمومی کرده رفع این عارضه را از خاکپای مبارک همیونی استدعا میکردند .

همه روزه بر عده جمعیت در تلگرافخانه برچند افزوده میشد و جناب مستطاب شریعتمدار حاجی شیخ محمد باقر مجتهد سلمه الله که مرجع عامه اهل این بلاد است به منبر تشریف برده و مردم را بموعظه و نصیحت ساکت میفرمودند در این چند روز اجتماع عامه و تعرضات مردم بسرکار سبحان قلیخان سرتیب رئیس تلگراف با کمال ملایمت و خوشروئی با مردم سلوک کرده عرایض آنها را بمرکز رسانیده و جواب می گرفت تا اینکه روز جمعه ۲۹ شهر صفر تلگراف دست خط همایونی در بر قراری جناب شوکت الملک را تمام مردم زیارت کرده تلگراف را در بالای منبر باواز بلند قرائت کرده همه خلق متشکر و دعاگوی و جود مبارک اعلیحضرت شاهنشاهی شدند و شبانه با جمعیت تا کلاته حکومت که نیمفرسنگ از شهر دور است رفته مبارکباد گفته مراجعت نمودند غره ربيع الاول نیز تمام طبقات اهالی برای

(ابریشیم پولی) (بیکار پولی) (سوار پولی) (مرغ پولی) (یساول پولی) (میرزا پولی) (وکیل الر عایا پولی) (وکیل مشهد پولی) (مژده پولی) و و و و و . . این پولها را باید بدیم و الا در زیر چوب یساول باید جان بدیم رئیس کمرک دقیری نشان داد که تمام اسامی دخترها و پدرشان و اسامی قلعه های آنها و اسم قلعه را که برده اند ثبت بود در این بین پیره مزدیرا آدمهای کمرک آوردند که دختر جوانی را با لباسهای نو بردیف خود سوار کرده میبرد از او سؤال کردند این دختر را بکجا میبری گفت بمهمانی در فلان قلعه که در خارجه است خود این شخص اهل قلعه میر بوده رئیس باو تغییر کرد که راست بگو کجا میبری اقرار نکرد بعد چند چوبی باو زدند اقرار کرد که این دختر من است فروخته ام

به یکصد و پنجاه تومان چون بسرکارخان قرض دارم از بابت جریمه و مالیات و حکما می خواهد لابد دخترم را فروخته ام که باو بدهم بعد التزام از او گرفتند که دخترش انفر و شد

### ﴿ وقایع برجند ﴾

بعدالعنوان امید است که از پر تو تربیت این خورشید سعادت نواقص و عوائق امور مرتفع و بطریق نجاح و فلاح هدایت شویم خاصه ما مردم ضعیف قائنات و سایر نواحی خراسان که بکلی در جرگه انسانیت بی نام و نشان مانده ایم از روی حقیقت و انصاف بعرایض این فدوی غوری فرمایند که در نظامنامه مجلس مقس شورای ملی از همه نقاط ایران اسمی برده و کیلی معین شده مگر ما مردم ضعیف فقیری بضاعت که بواسطه عدم لیاقت اسمی برده نشده (کان لم یکن شیئاً مذکوراً) از خاطر بیضامظاهر

خدمات والده نیز خارج است که بجهة حفظ طفل خویش در بعضی اوقات از جان خود میگذرد چو نکه آن عمل مبنی است بر تاثرات نفسانی یا محبت فوق العاده در ضمن این تعریف مختصر گفته شد که قدر اسم قدرت تبدلی است که از آن معلوم میگردد بجهة تعیین قدر تبادل ضروری است اما برای تبادل ضروری نیست که یک فرد دیگر داشته باشد که به آن تبادل اشیاء شده باشد بموجب این تعریف ملاحظه شود آیا عقل هنرمندی و استعداد جبلی و قوای فطری را که اوصاف ذاتی نامیده می شوند قدر میتوان گفت این امر بدیهی است که اشیاء مذکوره قابل

تبریک بدارالحکومه جمع شده صرف شربت و شیرینی نموده و قرار بر این شد که از هر صنفی وکیلی انتخاب کرده انجمن محلی دائر نمایند تلگرافی در اینباب بمجلس شورای ملی کرده منتظر جوابند .

### ﴿ خورشید ﴾

در حسن سلوک جناب شوکت‌الملک با رعیت و رضای نامۀ عامه بحکومت ایشان حرفی نیست و اینکه عموم اهل قائنات از جناب حشمة‌الملک رنجیده و منزجرند معلوم و آشکار است ولی خوب است جناب شوکت‌الملک حسن سلوک و رأفت شخصی خودشان را عمومیت داده تمام نقاط حکمرانی خودشان یکسان و بطریق مساوات نظر داشته باشند اهالی قاین از نایب‌الحکومه آنجا شکایت دارند از قرار مکاتیب واصله در قائن بر رعیت خیلی تعدی میشود و نایب‌الحکومه آنجا گویا خود را تابع امیر نمیداند خاصه در خصوص غله دیمه در موقع قسمت و غیره عجزاً از درج مکاتب قاین صرف نظر کرده اصلاح امور آنجا را از سرکار امیر خواستاریم که ما را ناچار نمایند که از سوء اطوار نایب قاین پرده برداریم.

﴿ مرقومه جناب رئیس‌التجار که از طهران ﴾  
در خصوص بانک ملی بجناب حاجی عبد الرحیم اقا مرقوم داشته اند محض اطلاع عامه و همراهی باین سرمایه حیات ملت و قدرت و شوکت دولت عیناً درج میکنیم

فدایت شوم انشاءالله مزاج شریف سلامت است و ملالی ندارید اگرچه از طرف شما تاکنون اظهار احوال پرسی از من نشده است اما بنده بحسب وظیفه وطن پرستی اشخاصی را که در راه وطن و حب ایمان

از اقدامات و افیه و بذل مساعی جمیله خود داری ندارند باطناً و قلباً دوست باشم این اوقات آن چه می شنوم اقدامات جناب عالی است و از صمیم قلب شما تبریک میگویم اگر چه هنوز اهالی خراسان بکلی از حظ وطن پرستی ولنت بذل مال و جان در راه وطن محروم هستند و بیخبر از اینکه این نیکامی را هر کس بر باید

بهرترین ثروت و عزت و شرف را دارا خواهد بود چون خیلی از وضع خراسان دل تنگ بونم و بایوس از اینکه کاعذی بنویسم دیشب میل کردم بحنابعالی مکاتبه نموده باشم امروز فرستادم جناب مستطاب آقای حاجی میرزا عبدالحسین تشریف آوردند و این کاغذ را مینویسم میدانید بانهایت گرفتاری که در کار های شخصی مشهد دارم قبول این وکالت و توقف طهران برای من چه اندازه اسباب زحمت بود معذالک برای اینکه شاید بتواند خدمتی باهل وطن خود کرده باشد قبول نمود البته روزنامه‌های آذربایجان و وضع آنها را با موکلین خود و وکلای طهران شان میدانید که اولاً طبقات مردم اگر چه هر طبقه از آنجا و کیلی معین کرده فرستادند لیکن عموماً آنها را وکیل خود میدانند و هر یک نفر وکیل هر اظهاری که کرد فوراً تمام آنها بدون حرف مطیع هستند چنانچه سه روز قبل از مجلس شورای ملی مذاکره شد که آذربایجانها به بانک ملی چه قدر پول میدهند حضرات وکلای آذربایجان معهد شدند که دو کرور آنها خواهند داد آنروز را تلگرافخانه رفته حضوری حرف زدند پس از اظهار بدون لاونعم عموم آذربایجانها دو کرور تمهد شدند که نقداً تحویل کنند وکلای

انتقال نیستند یا بعبارة خبری تبادل آنها امکان ندارد زیرا که از ذات انسان منفک نمی شوند قول بعضی این است که چون برای قدر قابلیت انتقال ضروری است بموجب آن اوصاف ذاتی از عنوان قدر خارجند و بعنوان دولت و ثروت شامل نیستند ولی ظاهر است که هر چند در اوصاف ذاتی یا قواء فطری قابلیت انتقال نیست مع ذلک در اعمال آنها این استعداد موجود است یعنی قواء فطری خودمان بخاطر دیگری بکار برده از آن شخص حق‌الخدمه واصل میتوانم نمود هنرنجار نه فقط رفع حوائج دیگران را میکند بلکه با الواسطه همان قسم بجهة رفع حوائج نفس همان

اصفهان بشرح ذالك يك كرور متعهد شدند اهل فارس در يك مدرسه شان كه مجلس بوده است بيست هزار تومان و تقريباً تا كنون دو بيست هزار تومان سهام خريده اند اما ما بيجاره ها و كلای رسان جز تويخ و سرزنش و سلامت هنوز در مجلس نتوانسته ايم حرفی بزنيم من خودم با آنهمه گرفتاری و زحمات آلوده كی كه خود تان مسبوقيد با كارشجاع الدوله بيست پنج هزار تومان متعهد شدم پنجهزار تومان نقد و بيست هزار تومان چهار ساله سالی پنجهزار تومان چون سهام اين بانك دو قسم است يکی سهم نقدی است و يکی سهم قسطی كه پنج قسط يك قسط نقد و چهار قسط در چهار سال است اما بهر كس در خراسان اين تكليف شود فوراً خواهد گفت اينهم شركت عمومی خواهد شد و حال آنكه اين بانك ملی است سي كرور سرمايه برای اين بانك جمع ميشود عموم ملت شركت در اين بانك دارند امتيا زاتی كه از دولت گرفته اند راه آهن ساختن و ساير مطالب است

كه البته ملاحظه مي فرماييد قواعد اين بانك هم عیناً مثل بانكهای فرنگستان و بهمان ترتيب رئيس بانك را هم از امريكا خواسته اند خلاصه مطلب اين است كه عموم عقلاء اين مملكت متحد وهم قول هستند كه اگر اين بانك دائر بشود ملت ايران زنده و مملكت ايران پا برجا خواهد بود و الا بهر وسيله مملكت ايران برای ايرانی نيست حالا من فرض ميكنم پولی كه آدم بدهد بلكی از میان ميرود آيا غيرت و همت و مدريت انسان حاكم نخواهد بود باينكه انسان تمام دارائی خود را بدهد كه مملكت و مذهب او بدست خارج

يفتد چه برسد باينكه پنج تومان با پنجاه تومان باشد خلاصه اين است كه بايد فكري كرد كه از خراسان اسمی برده شود بليتهای اين بانك پنج تومان است و پنجاه تومان پنجاه تومانی آن يك قسم نقد است يك قسم قسطی و بايد طوری كرد كه عموم مردم در راه ملت پرستی هر كس بقدر مقدور كمکی كند و اگر شما بتوانيد اين اقدام را بكويد ساير آقا يان هم هفته بعد مينويسم بحكم استخاره اين هفته بشما نوشتيم خيلي اسباب روسفیدی خراسانها و خير دنيا و آخرت آنها خواهد شد نظامنامه بانك را انشا الله چند نسخه هفته بعد مي فرستيم زياده عرضی ندارم

### اعلان

اداره چاپارخانه های ارض اقدس الی عشق آباد از غره جوزا در تمام منازل اسب و فرکون و فایطون گذارده مسافرين را ب قيمت نازل دوروزه از مشهد الی عشق آباد ميرسانند در اين صورت مسافرت با چاروادار يا فورکون غيریستی آنها با كرایه گراف شرط عقل نيست - برای تعرفه و تحصيل بليط رجوع بشعبات اداره مذکور نمايند ( مشهد ميدان ارك ) ( قوچان جنب كمرک ) ( عشق آباد كاروان سراي حاجی محمد تقی

### اعلان

يك نفر معلم ابتدائی برای مدرسه رحيميه لازم است هر كس درس ابتدائی را بوضع جديد بتواند از عهده برآيد در كاروانسرای ناصری بجناب حاجی محمد اسماعيل تاجر كاشانی رجوع نمايد پس از امتحان در انجمن مدرسه در مدرسه مزبور بموجب كافی پذيرفته خواهد شد

### اعلان

دوسه نفر طفل زيرك باهوش درستكار باضا من برای فروش روزنامه در اداره خورشيد لازم است هر كس سراغ داشته باشد با اداره دلالت فرمايد هم خدمتی بمعارف وهم برای آن اطفال اعانتی کرده اند حق العمل كافی باين اطفال داده ميشود

هنر نیز ضروری است مانند ساختن اموات و آلات خودش همين وجه است كه بعضی محققين از روی محاوره متعارف هر چند لفظ دوات را بر اشیاء خارجی اطلاق نموده اند مع هذا قواء ذاتی انسانی را بدولت ذاتی تعبير کرده اند بموجب اين برای هنرمندی اهالی کدام مملکتی و ديانت داری و اخلاق حسنه آنها و غيره در عداد ثروت و دولت آن مملکت شمرده می شوند بلکه بموجب رای بعضی بغير هيچگونه امتیازی دولت ذاتی و ثروت فطری يعنی اوصاف مذکوره در دولت متعارف شمرده ميشوند نزد اين جماعت دولت درسه قسم داخل است